

اعتبارسنجی ظواهر آیات قرآن از منظر اخباریون

محمد رضا شاهرودی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۳/۴)

چکیده

اخباریان به عنوان شاخه‌ای از فقهای شیعه با اکثریت ایشان، یعنی اصولیان در اعتبار برخی از منابع استنباط و طُرُق فهم احکام الله، اختلاف دارند. از جمله این که آن‌ها به بی‌اعتباری فهم انسان‌های عادی (= غیر معصومین (علیهم‌السلام)) از ظواهر قرآن، شهرت یافته‌اند. این پندار ایشان بر دو پایه اساسی متکی است؛ نخست، «روایاتی» که آن‌ها مدعی تواتر و ظهور آن در عدم حجیت ظواهر قرآن می‌باشند و دیگری، وجود «تقیید و تخصیص» و ورود «تجوّز» به ظاهر اکثر آیات قرآن به گونه‌ای که آن‌را از حجیت ساقط می‌کند.

تأمل در آثار و آراء اخباریان، بیانگر فراگیر نبودن این باور در میان ایشان و اعتقاد آن‌ها به تقدّم کتاب بر دیگر ادله و لزوم انطباق آن با قرآن است و این خود، بهترین دلیل بر اعتقاد اکثریت ایشان همچون دیگر اصولیان بر حجیت ظواهر کتاب، پیش از ورود دلیل روائی محسوب می‌شود. در این مقاله کوشش شده است، ادله اخباریان بر این دیدگاه گردآوری و مورد نقّادی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ظواهر، حجیت، خبر، اصولیان، اخباریان.

طرح مسأله

قرآن کریم، ثقل اکبر، اولین و مهمترین منبع درک دین از دیدگاه جمهور عالمان دینی است. فقیهان نیز خود را از این قاعده مستثنی نکرده‌اند و همگان بر حجیت و تقدّم این کتاب آسمانی بر دیگر منابع اجتهاد، تصریح کرده و برخی از منابع احکام را

منوط به موافقت با آن کرده‌اند. تنها نحله فقهی که در این باور از دیگران متمایز گشته است، تفکر اخباری‌گری است. اخباریان که به اهتمام شدید به روایات مشهور شده‌اند، به امکان‌پذیر نبودن فهم ظواهر کتاب بدون ورود اثر صحیح، معروف و مورد انتقاد اصولیان قرار گرفته‌اند. دیدگاه‌های متفاوت اخباریان در این مسأله، زیر ساخت‌های فکری این نگرش و نقد آن و سپس پیامدها و لوازم آن، اموری شایسته بررسی‌اند.

در این خصوص، از دیر باز دو نوع نگرش فقهی به منبع درک احکام شرعی نزد فقهای امامیه وجود داشته است؛ یکی آنکه، درک احکام فقهی عمدتاً منوط به استفاده از روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) است و دیگری آنکه ادله معتبری در کنار این اخبار، قابلیت تبیین احکام الله را دارند. طرفداران نظریه اول به اهل النقل، اصحاب الآثار و خصوصاً اخباریان و دسته دوم به نام فقها و اصولیان معروف شده‌اند. بنابراین منظور از اخباریان در این مقاله، مفهوم متبادر از این اصطلاح در ادبیات معاصر، خصوصاً در حوزه فقهت و درک احکام شرع است؛ یعنی فقیهانی که در فهم احکام دینی، دیدگاهی متفاوت با فقیهان اصولی دارند و از شیوه متداول ایشان در راه استنباط پیروی نمی‌کنند و معیار اصلی در استنباط احکام را روایات اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانند. (خوانساری، ۹۴/۲).

البته پدیده اخباری‌گری در قالب یک مکتب، بیشتر حضور خود را در فقه متأخر پیدا کرد و نشانه‌های یک مکتب فقهی تعریف شده با فقیهان و کتب شناخته شده را با خود همراه آورد؛ لکن برخی از عالمان شاخص این نحله فکری، ریشه اندیشه‌های خود را در نگرش خاص فقهی امامیه در عصر تدوین حدیث و تألیف فقه و به طور خاص، دوران صاحبان کتب اربعه می‌دانند.^۲ (استرآبادی، ۴۷) هر چند در ادامه سخن، تفاوت بسیار میان اخباری‌گری و حدیث‌گرایی که امتیاز مکتب فقیهان حدیث‌گرای سده‌ی چهارم است و اختلاف دیدگاه این دو مکتب در مسأله مورد بحث آشکار خواهد شد.

طرح جدی نگرش اخباری و نقل اخباریان با اصولیان به آغاز قرن یازدهم بازمی‌گردد. آنگاه که اخباری‌گری در قالبی نو، پس از تقویت روش اجتهاد در استنباط احکام و پیروزی نسبی اصول‌گرایان، با تلاش‌های ابن ابی‌جمهور احسایی و هموار شدن زمینه‌های فکری و اجتماعی برای دیگر بار توسط ملا محمد امین استرآبادی ظهور یافت و پیروان جناح غالب در فقه شیعی را با چالش علمی دشواری مواجه ساخت، پس از او

۲. برای اطلاع از پیشینه اندیشه اخباری‌گری و سیر تطور مفهوم این اصطلاح می‌توان از منابع زیر بهره برد: أوائل المقالات: مفید، الملل و النحل: شهرستانی، رسائل الشریف المرتضی، ریحانة الأدب: محمدعلی مدرس، روضات الجنات: سید محمد باقر خوانساری، مقدمه بر فقه شیعه: مدرسی طباطبائی.

بود که انشعاب فقهای امامیه به دو دسته اخباریان و مجتهدان (= اصولیان) رسمیت پیدا کرد. (استرآبادی، ۴۰؛ خوانساری، ۱۲۰/۱)

تقابل میان اخباریان و اصولیان در طول چهارده قرن گذشته، نشیب و فرازها و حوادث فراوانی را شاهد بوده است؛ برخی همچون ملامحمد استرآبادی که از او به نام اخباری صلب یاد کرده‌اند و یا میرزا محمد استرآبادی موصوف به عدو العلماء و یا همچون عبد الله بن صالح سماهیجی مؤلف منیة الممارسین، به کثرت طعن بر مجتهدان معروفند و برخی همچون شیخ یوسف بحرانی مؤلف کتاب «الحدائق الناضرة فی فقه الائمة الطاهرة» و ملامحسن فیض صاحب کتاب «مفاتیح الشرایع» و سید عبدالله شبر مؤلف کتاب بدیع «الأصول الأصلية» از اعتدال و میانه‌روی پیروی کرده و از سخنان گزنده و ستیزه جویی و تعصب شدید در مواجهه با مجتهدان اجتناب کرده‌اند. (خوانساری، ۲۷۴/۴)

اجتهاد و منابع درک احکام

پس از نگاهی گذرا به تاریخچه اخباری‌گری و پیش از ارائه دیدگاه و ادله ایشان در مسأله فهم ظواهر قرآن، ضروری است به دو مورد از تفاوت‌های بسیار در نگاه اصولی و اخباری به مسائل دینی که مبنای تفاوت نگرش ایشان در مسأله استنباط از قرآن کریم است، اشاره شود. نخست، مسأله اجتهاد و استنباط احکام از مدارک آن و دیگری، منابع و ادله معتبر احکام از منظر اخباریان.

درباره مسأله اول باید گفت: نظر به اینکه اجتهاد در تعریف معروف خود «تلاش فقیه برای کسب ظن به احکام» است (حلی، ۵۱)، باور فراگیر در اخباریان حرمت اجتهاد است. (استرآبادی، ۴۰) در جایی که اصولیان آن را واجب کفایی و یا واجب عینی می‌شمردند. (خراسانی، ۴۶۴) و در عین حال که مجتهدان مردم را به دو دسته مجتهد و مقلد و احیاناً گروه موسوم به محتاط تقسیم می‌کنند. اخباریان، همه مردم را مقلد معصوم می‌شمردند و تقلید از غیر معصوم را روا نمی‌دانند. (استرآبادی، ۴۰؛ فیض، الاصول الاصلية، ۵۵؛ حرّ عاملی، ۳/۳۸۵). ایشان روایات فرمان دهنده به رجوع به «روایات احادیث و احکام معصومین»، در زمان نیاز به فتوا و قضاء را متواتر معنوی می‌شمردند و معتقدند: «در این روایات، هرگز به جواز تبعیت از ظنون راویان که از ظواهر کتاب و یا اصول به دست آمده، اشاره نشده است. آن‌ها همچنین داشتن ملکه اجتهاد توسط این راویان را

شرط نمی‌دانند.» (استرآبادی، ۱۵۲)

بر اساس این پندار اخباریان، همه مردم باید مقلد معصومین (علیهم‌السلام) باشند و حتی فقیهان و عالمان به مسائل و احکام، خود، مقلد ائمه‌اند و استنباط احکام نظری از قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) وظیفه خاص امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و اولاد طاهرین ایشان است. (همان، ۱۷۳؛ وحید بهبهانی، ۱۳۱)

فیض کاشانی که از اخباریان معتدل محسوب می‌شود، عقول مردم عادی را دارای نقصان و فقدان حجیت و قابلیت اعتماد می‌داند و می‌نویسد: «مقلد قرآن و حدیثم و نسبت به غیر از قرآن و حدیث بیگانه‌ام» (خوانساری، ۸۵/۶؛ وحید بهبهانی، ۱۳۱) از این سخن او، عدم جواز اجتهاد از دیدگاه فیض به دست می‌آید، گرچه با بررسی دقیق آراء او در منابع فهم احکام دین، عدم انحصار آن در دو دلیل مذکور، مسلم می‌باشد.^۳ مرحوم فیض کاشانی، در این خصوص معتقد است: «و اصولها المحكمة، فهی محکمت کلام الله - عزوجل - و کلام رسول الله - صلی الله علیه و آله - (علیهم‌السلام) من غیر تقلید بغیرهم و إن کان من الفحول و لا اعتماد علی ما یسمی إجماعاً و لیس بالمصطلح علیه فی الأصول الراجع إلی کلام المعصوم من آل الرسول و لا متابعة للشهرة من غیر دلیل و لا بناء علی أصول مبتدعة لیس لها من الشرع سبیل و لا جمود علی الألفاظ بید قصیره و لا عمل بقیاسات عامیه من غیر یقین بل بنور من الله و هدی و رحمة و له الحمد علی هذه النعمة» (فیض، ۹-۱۰)

از سخنان این فقیه فیلسوف، نزدیکی دیدگاه او در شیوه فهم احکام دین به روش مشهور فقیهان اصولی، یعنی حجیت منابع چهارگانه اجتهاد، کاملاً مشهود می‌باشد؛ زیرا وی اجماع را به نحو مطلق انکار نمی‌کند و آن را به شرط کاشفیت از نظر معصوم، می‌پذیرد و در تقلید نفی اعتبار قیاس با قید «من غیر یقین بل بنور من الله سبحانه»، به گونه‌ای از روش اخباریان خارج می‌شود و خود را به اصولیان نزدیک می‌سازد. البته این جهت‌گیری از شیوع و شهرت، در میان اخباریان برخوردار نمی‌باشد.

گاه این رویکرد چنان صبیغه افراطی به خود می‌گیرد که یکی از این دو دلیل هم، حجیت خود را از دست می‌دهند و ادله احکام تنها در یک دلیل یعنی «احادیث معصومین (علیهم‌السلام)» محدود می‌گردد: ملاً محمدمین استرآبادی در این باره

۳. آن گونه که از سخن اخباریان به دست می‌آید، ایشان مدارک احکام شرعی را به دو دلیل، منحصر می‌دانند؛ یکی، قرآن و دیگری، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و برای بقیه ادله که مورد استفاده اصولیان شیعه و سایر فرق اسلامی قرار دارد، اعتباری نمی‌شناسند. (استرآبادی، ۱۷)

می‌نویسد: «و من المعلوم تحقیقیة أنّ البراءة الاصلیة انما یتثبت بها نفی الحکم الشرعی لا نفسه، فیلزم من ذلك انحصار الدلیل علی الحکم فی اثنین و من المعلوم أنّ حال الکتاب و الحدیث النبوی لایعلم الا من جهتهم (علیهم‌السلام) فتعیّن الانحصار فی احادیثهم» (استرآبادی، ۱۷)

آن‌گونه که از این سخنان برمی‌آید، او این اعتقاد یعنی «انحصار ادله احکام در کتاب و حدیث» را نیز بر نتافته و کتاب را غیر قابل فهم، مگر از ناحیه ائمه (علیهم‌السلام) دانسته است و بدین ترتیب، مدارک احکام شرع را تنها در یک دلیل محدود می‌سازد و به دیگر سخن، معتقد به عدم حجیت ظواهر قرآن در صورت عدم ورود دلیل روایی می‌باشد. او این باور را اعتقاد استاد خود میرزا محمد استرآبادی می‌شمرد و همه محدثین و فقهای متقدم را بر این عقیده می‌داند. (همان) بر همین اساس، یکی از تفاوت‌های بارز اخباری‌گری و اصولی‌نگری، صورت جدی به خود می‌گیرد؛ یعنی «عدم حجیت ظواهر قرآن پیش از ورود حدیث و خبر صحیح»

اخباریان و حجیت ظواهر کتاب

شیخ یوسف بحرانی که یکی از استوانه‌های اندیشه اخباری محسوب می‌شود، در مقدمه کتاب «الحدائق الناضرة» طی مقدماتی، عقاید اخباریان را به طور مبسوط مطرح و با بیان ادله خویش از آن دفاع می‌کند. او درباره مسأله فهم کلام سخنی دارد که تفاوت دیدگاه‌های اخباریان را در این مورد کاملاً آشکار می‌سازد: «و لا خلاف بین أصحابنا الاصولین فی العمل به فی الاحکام الشرعیة و الاعتماد علیه حتی صنف جملة منه کتباً فی الآیات المتعلقة بالاحکام الفقھیة و هی خمسمائة آیه عندهم و أما الاخباریون فالذی وقفنا علیه من کلام متأخريهم ما بین افراط و تفريط فمنهم من منع شیئاً منه مطلقاً حتی مثل قول "قل هو الله احد" إلا بتفسیر من اصحاب العصمة (صلوات الله علیهم) و منهم من جوز ذلك حتی یکاد يدعی المشاركة لاهل العصمة (علیهم‌السلام) فی تأویل مشکلاته و حل مبهماتہ» (بحرانی، ۲۷)

چنان‌که از سخن ایشان برمی‌آید، برخی چنان جاده افراط را در این زمینه، طی کرده‌اند که فهم نصوص را نیز منوط به ورود دلیل روایی دانسته‌اند - البته این عقیده، کم طرفدارترین عقیده در میان اخباریان محسوب می‌شود - و برخی دیگر، چنان فهم آیات را برای غیرمعصومین (علیهم‌السلام) میسر دانسته‌اند که حتی در آیات مشکل و

مبهم قرآن نیازی به بیانات روایی ندیده‌اند. او از این دسته نامی نمی‌برد، اما احتمال صدور این قول از اخباریان اهل عرفان و اشراق، همچون محدث کاشانی ضعیف نمی‌باشد؛ زیرا او جمع بین اخبار متعارضی که برخی فهم آیات را موقوف به ورود اثر نموده و اخباری که از آن استقلال قرآن در فهم مقصود به دست می‌آید، با حمل این اخبار در تفاوت مراتب انسان‌ها و استعداد ایشان می‌داند و می‌نویسد: «الصواب أن يقال من أخلص الانقياد لله و لرسوله (صلى الله عليه و آله و سلم) و لأهل بيت (عليهم السلام) و اخذ علمه منهم و تتبع آثارهم و اطلع على جملة من اسرارهم بحيث حصل له الرّسوخ في العلم و الطمأنية في المعرفة و انفتح علينا قلبه و حجم به العلم على حقائق الامور و باشر روح اليقين و استلان ما استوعره المترفون و أنس بما استوحش منه الجاهلون و صحب الدنيا ببدن روحه معلقة بالمحلّ الأعلى فله أن يستفيد من القرآن بعض غرائبه و يستنبط منه نبذاً من عجائبه ليس ذلك من كرم الله - تعالى - بغريب و لا من جوده بعجيب. فليست السعادة و قفاعلى قوم دون الآخرين و قد عدوا (عليهم السلام) جماعة من أصحابهم المتصفين بهذه الصفات من أنفسهم كما قالوا سلمان مّا - أهل البيت (عليهم السلام) فمن هذه صفته لا يبعد دخوله في الراسخين في العلم العالمين بالتأويل...» (فيض، الصّافی، ۳۶)

البته این دیدگاه هم، همچون دیدگاهی که حتی محکّمات قطعی و مسلّم یعنی «نصوص» را از دلالت مستقل بر معانی و مفاهیم ناتوان می‌دانست، از طرفداران چندانی برخوردار نیست و حتی در میان اصولیان و مفسّران به این شدت مطرح نشده است. آنچه از مقبولیت و شهرت در میان مفسّران اصولی برخوردار است، این است که انسان‌های عادی شایستگی وصول به مراتب علمی و معرفتی لازم برای فهم متشابه را در مکتب راسخین یعنی ائمه اطهار (عليهم السلام)، دارا می‌باشد؛ نه آنکه خود مستقلاً همچون مخاطبان نخست حقایق آسمانی قرآن یعنی بیت وحی قادر به درک همه آیات حتی متشابهات قرآن شوند. نقطه مقابل این دیدگاه را باید نظریه ملاً محمدامین برشمرد که حتی با دیدگاه اخباریانی چون ملاً احمد اردبیلی و شیخ ابوعلى طبرسب مبنی بر عدم امکان تفسیر قرآن برای انسان‌های عادی جز با ورود اثر صحیح و نصّ صریح ناسازگار است و استنباط احکام نظری را از قرآن و سنت پیامبر (صلى الله عليه و آله) و وظیفه خاصّ أميرالمؤمنين و اولاد طاهرين ایشان می‌داند: «و تلك الاحاديث الشريفة مع تواترها معنى صريحة في أن استنباط الاحكام النظرية من كتاب الله و من

السنة النبوية شغلهم لا شغل الرعية معللاً بأنه (صلى الله عليه و آله) بأمر الله تعالى خصّ أمير المؤمنين و اولاده الطاهرين بتعليم ناسخ القرآن و منسوخه و بتعليم ما هو المراد منه و أنّ آية آية من القرآن باقية على ظاهرها و آية لم تبق منهم على ظاهرها و بأنّ كثيراً من ذلك مخفى عندهم و بأنّ ماشتهر بين العامة من أنّ كلّ ما جاء به النبي (صلى الله عليه و آله) من حكم و تفسير و نسخ و تقييد و غيرها اظهر بين يدي اصحابه و توفرت الدواعي على اخذه و نشره و لم تقع بعده (صلى الله عليه و آله) فتنة اقتضت إخفاء بعضها غير صحيح». (استرآبادی، ۱۷۳) او همچنين آياتی که ظهور در وجود انسان‌هایی شايسته دارد که قادر با استنباط حقايق قرآنی هستند، با استناد به احاديث معصومين به "اهل الذکر" به طور خاص و نه ديگر انسان‌های صاحب اين ملکه، تفسير می‌نماید. (همو، ۱۷۴)

سید صدر و قاعدهٔ اولیه در عمل به ظواهر کتاب

صرف نظر از اين دو دیدگاه که در طی دو جانب افراط و تفریط، در میان اخباریان شاخص است، تندترین نظریه در منع عمل بر اساس ظواهر قرآن کریم به سید صدر شارح کتاب و افیه مربوط می‌شود؛ زیرا او معتقد است که این منع، مقتضای اصل اولیه است و عمل به ظاهر روایات، تخصیصاً خارج شده است. او بر این عقیده چنین استدلال می‌کند که حقیقت آیات متشابه برای ما بیان نشده است و ما از اتباع متشابه و تفسیر قرآن منع شده‌ایم و بدون تردید، غیر نص، نیازمند تفسیر است و خداوند و رسول (صلى الله عليه و آله) و اوصیاء او از اتباع ظن نهی کرده و ظواهر قرآن را استثنا نکرده‌اند. اما اخبار از این امتیاز برخوردارند که اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) بدون فصیح از مخصّص و معارض ناسخ و یا مقید آن عمل کرده‌اند و اگر اجماع عملی ایشان نبود، در عمل به ظواهر اخبار نیز توقف لازم بود. (شیخ انصاری، ۶۳/۲)

همین‌طور، ملایم‌ترین اخباریان بلکه نزدیک‌ترین ایشان به اصولیان را باید سید عبدالله شبر به حساب آورد که در راه تنقیح و تبویب مسائل اصول فقه، اثری شگفت و درخور ستایش از خود به جای گذارده و خدمت بسیاری به اصول و اصولیان کرده است. او که با ایجاد صد باب روایی، تمام مسائل اصول فقه را از اخبار و آثار اهل بیت (علیهم‌السلام) استخراج کرده و بدین سان مهر بطلان بر اتهام برخی از اخباریان به اصولیان، یعنی تأثیر و استفاده ایشان از اصول فقه اهل سنت زده است، در بابی تحت عنوان «حجیّیه محکّماته، نصّها و ظاهرها و وجوب العمل بما يفهم منه والأخذ بها» که مبسوط‌ترین ابواب این کتاب یعنی «الأصول الأصلية» محسوب می‌شود، بیش از صد

روایت برای اثبات حجیت ظواهر قرآن ارائه می‌کند. (شبر، ۸۸)

در پایان بررسی آراء اخباریان در این موضوع، جا دارد از دیدگاه صاحب حدائق گزارش دهیم که معانی قرآن را از منظر حجیت، به چهار بخش تقسیم می‌کند. او این دیدگاه را «قول فصل» و «مذهب جزل» و مطابق با نظر شیخ طوسی در تفسیر تبیان می‌داند؛ نخست، آن دسته از معانی که تنها خداوند به آن علم دارد و هیچ کس را شایسته نیست که در آن به تکلیف سخن گوید. دوم، آن دسته از معانی که دانندگان زبان عربی بدان پی می‌برند و ظاهر آن با معنایش منطبق است؛ نظیر آیه «ولاتقتلوا النفس التي حرم الله آلا بالحق» (الأنعام، ۱۵۱) سوم، آیات مجملی که ظاهرش بیانگر مراد خدا نیست و تبیین معنای آن جز به بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله) امکان‌پذیر نیست؛ نظیر آیه «واقیموا الصلوة...» (الأنعام، ۷۲) و چهارم، آیاتی که الفاظش میان دو یا چند معنا مشترک است و ممکن است هر یک از این معانی مراد باشد و بعضی از معانی محتمل این‌گونه آیات جز به استناد سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام معصوم (علیه‌السلام) نباید بر دیگری مقدم داشته شود. (بحرانی، ۳۲) چنان که از نقل سخنان عالمین معروف به گرایش اخباری به دست می‌آید، آنان در قابل فهم بودن آیات قرآن از یک دیدگاه برخوردار نیستند و آراء ایشان طیف‌های گوناگونی از سلب کلی تا ایجاب کلی و قول به تفصیل و تنويع آیات در مسأله حجیت را دربرمی‌گیرد.

دیدگاه صاحبان کتب اربعه

مرحوم کلینی در مقدمه الکافی، به دو راه برای تشخیص خبر صحیح از میان اخبار مختلف اشاره می‌کند که حضرت رضا (علیه‌السلام) به آن ارشاد فرموده‌اند. یکی از آن دو راه، عرضه خبر بر قرآن است: «اعرضوا علی کتاب الله فما وافی کتاب الله عزوجل فخذوه و ما خالف کتاب الله فردوه» (کلینی، ۸)

این خبر که برای رفع تعارض در میان دو یا چند خبر متعارض وارد شده است و دیگر اخبار این باب که به اخبار علاجیه شهرت دارند، گرچه به دلالت مطابقی، چاره ساز تعارض اخبارند، اما التزاماً بر حجیت ظواهر قرآن، پیش از ورود دلیل روایی دلالت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت شیخ کلینی از معتقدین حجیت ظواهر کتاب پیش از ورود خبر می‌باشد.

واضح‌تر از این دیدگاه، مواردی از سخنان بزرگان حدیث است از ظواهر کتاب نام می‌برند و وجود این ظواهر را مفید و خوب عمل بر اساس خبر و اعتبار آن به حساب

می‌آورند. بر اساس این نظر نیز ظواهر آیات باید از حجیت برخوردار باشند تا در صورت تأیید خبر به وسیله معنای ظاهر، آن خبر، مفید علم شود: «و ما لیس بمتواتر علی ضربین فضرِب منه یوجب العلم أيضاً و هو کلّ خبر تقترن علیه قرینة توجب العلم و ما یجری هذا المجری یجب أيضاً العلم به و هو لاحق بالقسم الأوّل و القرائن أشياء كثيرة: منها أن تكون مطابقة للعقل و مقتضاه و منها أن تكون مطابقة لظاهر القرآن؛ إما لظاهرة أو عموماً أو دلیل خطابیه أو فحواه...» (طوسی، الاستبصار، ۳-۴).

او همچنین در شرح کتاب مقنعه مفید، آنجا که از شیوه کار خود در این کتاب سخن می‌گوید، نحوه استدلال خود را بر هر مسأله چنین بازگو می‌کند: «أستدلّ علیها إمّا من ظاهر القرآن أو من صریحه أو فحواه أو دلیله أو معناه و إمّا من السنّة المقطوع بها من الأخبار المتواتره أو...» (همان، تهذیب الأحکام، ۴۶)

از این گفته شیخ طوسی که برای استدلال بر هر مسأله‌ای از ظواهر، نصوص و فحوای خطاب و دلیل و لحن الخطاب کمک می‌گیرد، به وضوح، حجیت ظواهر قرآن به دست می‌آید و از آنجا که او نخست هر مسأله را در قالب یک حدیث مطرح می‌کند و برای استدلال بر آن، از ظواهر قرآن کمک می‌گیرد و آن را در عرض نصوص قرآن و در شمارش، مقدم بر آن می‌سازد، تقدّم ظواهر کتاب بر ظواهر احادیث کاملاً استفاده می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که ظواهر کتاب از دیدگاه شیخ نه تنها معتبرند بلکه تنها در صورت تأیید حدیث با ظواهر کتاب و دیگر ادله معتبر در کنار آن، روایات از اعتبار برخوردار می‌شوند. او همچنین در مقام بیان ادله مورد استفاده در استنباط احکام از ظواهر قرآن به عنوان دلیل نخست برای احتجاج در مسائل نام می‌برد و آن را هم ردیف سنت قطعی و یا اجماع می‌سازد: «و أن أقرن کلّ مسألة بدلیل نحتج به علی من خالفنا موجب للعلم من ظاهر القرآن أو سنّة مقطوعة أو اجماع...» (همان، خلاف، ۴۵)

دیدگاه مفسران بالمأثور در مسأله

از آنجا که یکی از گرایش‌های علمی اخباریان، نگرش تفسیر به صورت روایی است و این شبهه یعنی عدم حجیت ظواهر قرآن، در این گرایش، قوی‌تر است، در پایان بررسی آراء اخباریان قدیم نگاهی به برخی از تفاسیر مأثور خواهیم افکند تا نگرش اخباریان مفسر را که شیوه تفسیر قرآن بر اساس ورود دلیل روایی را سرلوحه کار خود ساخته‌اند، در مسأله حجیت ظواهر کتاب پیش از ورود اخبار و آثار شناخته شود.

عیاشی، صاحب یکی از تفاسیر کهن شیعه، در آغاز تفسیر روایی خود، برخی از نظرات خود را پیرامون مسائل مقدماتی تفسیر قرآن بیان می‌دارد و در یکی از این باب‌ها که آن را «باب ترک الروایته التي بخلاف القرآن» نامیده است، هفت روایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) ارائه می‌کند که مفاد همگی، لزوم موافقت اخبار با قرآن و وجوب ترک روایت مخالف با قرآن است. اگر پذیرفته شود که مراد از قرآن، محکّمات یعنی نصوص و ظواهر است، این روایات بر أصالت و حجیت ظواهر قرآن و تقدّم آن بر ظواهر روایات دلالت می‌کند. از این زمره است، روایت هشام بن الحکم از امام صادق (علیه السلام) که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ضمن خطبه‌ای در مکه یا منی چنین فرموده‌اند: «أيها الناس ما جاءكم عنّي يوافق القرآن فأنا قلتة و ما جاءكم عنّي لا يوافق القرآن فلم أقله» (عیاشی، ۲۰ و ۱۹)

بر اساس این اخبار که به اخبار عرضه شهرت دارند، اعتبار و حجیت روایات به کتاب و موافقت با آن است که از آن به «تصدیق، موافقت و شباهت با کتاب» تعبیر شده است و این‌گونه اخبار، التزاماً بر حجیت کتاب و ظواهر آن دلالت دارد.

نظیر محدث و مفسر فوق‌الذکر، عالمی جلیل از تبار مفسران بالمأثور، یعنی سید هاشم بحرانی است که پیش از ورود به تفسیر خود، مقدماتی را ارائه می‌دارد و در باب چهاردهم آن، یعنی «باب أنّ کلّ حدیث لا یوافق القرآن فهو مردود»، سیزده روایت در این مضمون ذکر کرده که همگی مفید مضامین سابق‌الذکر است. بر اساس تأسیس این باب و ذکر این روایات، اعتقاد محدث بحرانی به اعتبار ظواهر قرآن پیش از ورود روایات، به وضوح، قابل اثبات است. از جمله این روایات، خبری از امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است: «إنّ علی کلّ حقّ حقیقة و علی کلّ صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ماخالف کتاب الله فدعوه» (بحرانی، البرهان، ۲۸-۲۹)

پیش‌تر دیدگاه برخی از مفسران بالمأثور همچون ملّا محسن فیض و سید عبدالله شبّر را متذکر شدیم و برخی همچون مؤلف نورالثقلین، تفسیر اثری خویش را تنها، کامل‌کننده نقصان تلاش مفسرانی می‌داند که کوشش ادبی و کلامی خود را در محضر قرآن تقدیم داشته‌اند و هرگز فهم آیات قرآن را به ورود اخبار معصومین متور نکرده‌اند: «أحببت أن أضيف الی بعض آیات الكتاب المبین شیئاً من آثار اهل الذکر المنتجبین ما یكون مبدياً بشموس بعض التنزیل و کاشفاً عن اسرار بعض التأویل و أمّا ما نقلت ممّا ظاهره یخالف لاجماع الطائفة المحققة فلم اقصده به بیان اعتقاد و لا عمل و آنما آورده لیعلم الناظر المطلع کیف نقل و عنمن نقل». (حویزی، ۲)

ادله اخباریان بر عدم حجیت ظواهر کتاب

پس از بیان دیدگاه‌های گوناگون اخباریان در مسأله مورد بحث و به دست آوردن این نتیجه که «اعتقاد به حجّت نبودن ظواهر کتاب بدون تفسیر ائمه (علیهم‌السلام)، اعتقادی فراگیر در میان اخباریان نیست»، به طرح و نقد ادله ایشان بر این باور پرداخته می‌شود. در تحلیل استدلال اخباریان بر منع عمل بر اساس ظواهر قرآن و فهم آن بدون تفسیر معصومین (علیهم‌السلام) با دو دلیل مواجه می‌شویم؛ نخست، روایاتی که ایشان مدّعی تواتر و ظهور آن در مدّعی خویش، یعنی: عدم استقلال آیات قرآن برای افاده مطلب و لزوم فهم کتاب از طریق اخبار اهل بیت (علیهم‌السلام) شده‌اند؛ همچون، روایت نبوی مشهور: «من فسّر القرآن برأيه فليتبوه مقعده من النار» (ابن ابی جمهور، ۱۰۴/۴) و یا روایت «من فسّر برأيه آية من كتاب الله فقد كفر» که ادّعا شده است، این قبیل روایات چنان از فراوانی برخوردارند که از حدّ تواتر گذشته‌اند. (حرّ عاملی، ۳۹/۱۸) دیگر استدلالی که اخباریان برای اثبات مدّعی خویش اقامه کرده‌اند که همگان به تقیید و تخصیص و ورود تجوّز به اکثر آیات ظاهر قرآن معترفیم و این از جمله ادله‌ای است که آن را از حجیت ساقط می‌کند. (استرآبادی، ۱۷۵)

نقد ادله اخباریان در عدم حجیت ظواهر قرآن

آنچه بطلان استدلال نخست ایشان را آشکار می‌سازد، این است که بازگشت استدلال با این روایات به آن است که قرآن کریم از قبیل محاورات عادی و متعارف نمی‌باشد؛ در حالی که چنین چیزی به هیچ وجه در نگرش جمهور شیعه مقبولیت ندارد. همچنین، براساس گفته ایشان باید «منع از تفسیر به رأی» را به معنای «عدم قصد تفهیم مطالب» توسط این کلام (= قرآن مجید) تفسیر کنیم. (شیخ انصاری، ۵۷/۱) ضمن اینکه، عمل براساس ظواهر واضح المعنی قرآن بعد از بررسی نسخ و تخصیص و تجوّز آن در میان اخبار، دیگر تفسیر به رأی خوانده نمی‌شود؛ زیرا مقصود از «رأی» اعتبار ظنی عقل است که بازگشت آن به استحسان است و شامل «برداشت معانی لغوی و عرفی از قرآن» نمی‌شود (همان، ۵۹) نیز ورود ناسخ، مخصّص و تجوّز به ساحت دلالت آیات، موجب سقوط حجیت این آیات نمی‌شود؛ بلکه بررسی و تفحص را درباره آنچه مخالفت با ظواهر را ایجاب می‌کند، لازم می‌گرداند. (همان، ۶۱) علاوه بر دلیلی مذکور، روایات فراوانی وجود دارد که به گفته شیخ انصاری، ائمه (علیهم‌السلام)، جواز استفاده احکام از قرآن را صادر کرده و کسی را از فهم مستقیم از آیات قرآن منع نکرده و فراتر

از این، روایاتی وجود دارد که برخی افراد به خاطر بی‌توجهی نسبت به آیات، توییح شده‌اند. جالب این است که شیخ انصاری روایاتی را که دلالت بر جواز عمل براساس ظواهر قرآن دارد از روایاتی که اخباریان آن را برای اثبات مقصود خویش مورد استفاده قرار داده‌اند، بیشتر می‌داند. (همان، ۵۹)

مرحوم نراقی، این نزاع را اساساً بدون ثمره عملی می‌شمرد و بر آن چنین استدلال می‌کند که نه تنها در بیان تمام آیات مرتبط با اصول و فروع، اخبار و روایات فراوان آمده است، بلکه در بسیاری از این احکام، اجماع صورت گرفته است؛ و این در حالی است که عمل به اکثر آیات به دلیل تعلق احکام موجود در این آیات به امور مجمل، جز با تمسک به اخبار، امکان‌پذیر نیست. (نراقی، ۱۵۸)

در نقد این نظر باید گفت: هرچند بسیاری از آیات مرتبط با مسائل عبادی این‌گونه می‌باشند، اما اطلاعات وارد شده در مورد معاملات که قابل استفاده در فروعی است که در آن روایاتی نرسیده و یا روایات آن فروع با روایات دیگر به تعارض برخاسته‌اند، بسیار است. به علاوه، این پدیده در فروع عبادی نیز وجود دارد؛ نظیر «إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام...» (التَّوْبَةُ، ۲۸) و آیات مربوط به تیمم، وضو و غسل، در مورد این دسته از عمومات قرآنی گرچه روایاتی رسیده است؛ اما در تمامی فروعی که به این آیات مرتبط می‌باشند، خبر بدون اشکال و بی‌معارض، روایت نشده است. (شیخ انصاری، ۶۵/۱)

لوازم اندیشه اخباری در مسأله

در پایان سخن در مسأله فهم ظواهر کتاب، لوازم، پیامدها و آثار منوط‌کردن فهم ظاهر آیات به ورود دلیل روایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آثار به دو دسته فکری و اجتماعی تقسیم پذیر است: یکی از لوازم این اعتقاد، از بین رفتن دلالت آیاتی خواهد بود که خبری در ذیل آن آیه به دست ما نرسیده است؛ زیرا بر فرض «اعتبار و إفادۀ آیات در صورت ورود خبر»، با آیات فراوانی مواجه خواهیم بود که هیچ دلیل روایی قابل اعتماد که بتوان معنای آیه را با آن فهم کرد، وجود ندارد. (طباطبایی، ۸۹)

گرچه آمار دقیق این آیات وجود ندارد، اما به جرأت می‌توان گفت: کمتر از نیمی از آیات قرآن برخوردار از تفسیر روایی‌اند و در این حالت یا باید این‌گونه آیات را سخنانی بدون مخاطب از میان عامۀ انسان‌ها دانست و یا مخاطب آن‌ها را تنها خواص، یعنی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) دانست و یا به مجمل بودن و مجمل ماندن این آیات رضایت داد که همه این صور خالی از اشکالاتی نیستند.

دیگر تالی فاسد این عقیده، نامفهوم بودن «اخبار عرضه روایات به آیات» که مفید لزوم موافقت معنای روایات با آیات، برای کسب اعتبار و حجتند، خواهد بود؛ زیرا در صورت قبول نظریه‌ی عدم حجیت ظواهر آیات جز با روایات، اولاً؛ روایات برای کسب درجه‌ی مقبولیت نیازمند آیاتند که این خود نشان دهنده اصالت آیات در داشتن مفهوم و حجیت است و ثانیاً؛ خود این آیات برای دارا شدن مفهوم معتبر و مقبول نیازمند روایاتند و چون روایات برای پیدا کردن مفهوم، متکی به آیاتند، ناگزیر از لزوم «دور» خواهیم بود و سرانجام باید پذیرفت که این دو دلیل در کنار هم، اما مستقلاً دارای مفهوم خواهند بود، هرچند اصالت را باید برای مفهوم قرآن قرار دهیم؛ زیرا عرضه روایات بدون مفهوم بودن آیات میسر نیست. (همان) و در صورت عدم ورود دلیل روایی، آیات از حجیت ظواهر در نزد عرف عام عرب زبانان برخوردار خواهند بود.

پیامد دیگری که بر این نظریه مترتب است، ناسازگاری آن با اخبار علاجیه است؛ زیرا این اخبار که برای رفع تعارض میان روایات صادر شده‌اند، نخستین علاج را در راه رفع تعارض در عرضه اخبار به قرآن می‌داند و این خود نشان دهنده حجیت ظواهر قرآن است؛ زیرا اگر این آیات هم برای داشتن مدلول نیازمند روایات باشند، اولاً؛ دور باطلی که در اخبار عرضه به آن اشاره شد، دیگر بار متوجه ما خواهد شد؛ ثانیاً؛ بر حسب فرض، دلیل روایی وارد شده در ذیل آیه از این دو دلیل که خود برای حجیت نیازمند این آیه شده‌اند، خارج نیست و در چنین صورتی، آیه از داشتن دلالت محروم خواهد شد و یا با ترجیح یکی از متعارضین، آیه، دارای مفهوم می‌گردد که در این صورت، دو محذور پدید خواهد آمد؛ یکی ترجیح بلامرّح و دیگری تناقض؛ به دلیل اینکه در صورت وجود تعارض هیچ یک از دو دلیل واجد شرایط حجیت نیستند تا بتوانند پرده از مدلول آیه‌ای بردارند.

همچنین نباید از دیگر پیامد این نگرش در میان جامعه مسلمان حتی عالمان ایشان یعنی اعراض عامه مسلمانان از قرآن و درک معانی و تأمل و تدبّر در آن، غافل بود در جایی که قرآن خود به تدبّر در آن امر می‌فرماید و ترک ژرف‌نگری انسان‌ها را در آن نکوهش می‌کند و آن را یک تکلیف عمومی می‌شمرد و با لحنی عتاب آمیز می‌گوید: «أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها» (محمد، ۲۴) و یا «نزلنا عليك الكتاب تبیاناً لكلّ شیء» (النحل، ۸۹) چرا که در صورت توقّف فهم آیات بر ورود دلیل، اکثریت مسلمانان، از توفیق درک مفاهیم آیات محروم می‌مانند؛ خصوصاً اگر پیچیدگی‌هایی که در فهم حدیث وجود دارد لحاظ شود. این آیات، فرمان به تدبّر و تأمل در آیات را به نحو مطلق بیان می‌فرماید و دلیل قاطعی که امر تدبّر را به «وجود روایت در ذیل آیه» مقید

سازد، وجود ندارد.

در پایان، این نکته نیز قابل تأمل است که آیات قرآن با توجه به مخاطبان گوناگون خود همچون مؤمنین و کفار، یهود و نصارا و دیگر صاحبان ادیان، مشرکان و گاه تمامی انسان‌ها، همانند دیگر سخنان القاء شده با این زبان، دارای دلالتی آشکار بوده و منوط کردن فهم از قرآن به دیگر ادله (اخبار معصومین) که در اعتبار، خود نیازمند قرآنند، امری ناصواب است. البته این به معنای نفی وجوب رجوع به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای تبیین جزئیات احکام و تعلیم معارف کتاب از محضر ایشان نیست.

نتیجه‌گیری

در بررسی آثار اخباریان مشاهده می‌شود که «عدم حجیت ظواهر کتاب» باوری فراگیر در میان ایشان نیست و اکثریت مطلق آنان، همچون اصولیان، بر تقدّم کتاب بر دیگر ادله و لزوم تأیید آن با قرآن تأکید می‌ورزند و این، نشانگر باور استقلال قرآن در دلالت خود پیش از ورود آثار روایی و حجیت آن از منظر اخباریان است. «فهم غلط از اخبار تحریم کننده تفسیر به رأی، تفسیر به حساب آوردن فهم ظواهر دارای معنای واضح» و «در نظر نگرفتن روایاتی که عمل بر اساس ظواهر قرآن را تجویز می‌کند»، عواملی است که برخی از اخباریان را به پندار ناصواب «عدم حجیت ظواهر کتاب پیش از ورود روایت» کشانده است.

منابع

قرآن کریم

- [۱]. استرآبادی، محمد امین، بی تا، *الفوائد المدینه*، بیروت، دارالبشر.
- [۲]. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱ ق). *فرائد الاصول*، بیروت، مؤسسه النعمان.
- [۳]. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۲ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ چهارم، بیروت، دارالهادی.
- [۴]. بحرانی، شیخ یوسف، (۱۴۰۵ ق)، *الحدائق التاخره فی احکام عتره الطاهره*، بیروت، دارالاضواء.
- [۵]. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۶]. حلّی، حسن بن یوسف، (بی تا)، *معارج الاصول*، تهران.
- [۷]. حویزی، عبد علی بن جمعه، (بی تا)، *نورالثقلین*، قم، المطبعة العلمیه.

- [۸]. خوانساری، سید محمدباقر، (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنّات*، قم، مکتبه اسماعیلیان.
- [۹]. شبر، سید عبدالله، (۱۴۰۴ق)، *الاصول الاصلية و القواعد الشرعية*، قم، مکتبه المفید.
- [۱۰]. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۲)، *تهذیب الاحکام*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۱۱]. همو، (۱۰۴۷ق)، *الخلاص*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۱۲]. همو، (۱۳۹۰)، *استبصار فی ما اختلف من الاخبار*، چاپ چهارم، بیروت، دارصعب.
- [۱۳]. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۵۳ش)، *قرآن در اسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۴]. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۴۱۱ق)، *تفسیر العیاشی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- [۱۵]. فیض، محمد بن مرتضی، (۱۳۴۹ش)، *الاصول الاصلية*، سازمان چاپ دانشگاه.
- [۱۶]. همو، (۱۳۸۸ق)، *مفاتیح الشرایع*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- [۱۷]. همو، (بی تا)، *الصافی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- [۱۸]. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، بیروت، دارصعب.
- [۱۹]. نراقی، احمد بن مهدی، (بی تا)، *مناهج الاحکام و الاصول*، تهران.
- [۲۰]. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، (۱۴۱۵ق)، *الفوائد الحائریة*، قم.

